

این را هم به آن که حکا دو خانه روز با هم میروم Las Vegas ساید بی بی مع هم خوش بیا به
 چون دیده بی است . در هر حال به آن و آگاه باش که تمام پردوی ما در چشم من است و ضعیف من
 خوشحال میوم اگر بیا شد . اطوار لیدر داد را به بی بی مع و اطوار کریم با من هم مال تو ، البته
 اگر روزی تو ای اطوار کریم از بعد استیجاریه ، موقعی را تعیین کنی و بیا به کور اطوار من .
 راجع به کتابت نوشته بودم که در یکخانه هم شده است ، مگر چه بایستی لاس انسانی
 میویستی ؟ امیدوارم تا کون پیدا شود ،
 روز قاناره نوشته کن ، قاناره دقا من بر پیچی به نفس ساقش را ندارد ، اطوار تمام جوانهای
 نایب من که با را شناسند و آلا را اید غنی بشنم ، محمد را من بفرم و من تهر را د گاهی ما بی
 بگره است ، منو بعد را هم همین کم می بفرم ، مگر یک کتاب و بیا به آنوقت به بی بی را بی بفرم ،
 من الان که آبجکم و در آنش آمده اند ، به دو مرض بستند مخصوصاً آبجکم منی حال روحی
 و جسمی به است . باور کن دوست خوب از نا من کدر است . البته اگر بترن و بهر داد
 زن دیده داشته باشد باز کدر بود ، آنهم بگویی به زن آنرا دارد .

چون مراد جان کصدت کردم ، کبنت کردم ، امید دیدار ، انبی با لندن
 ملحق

No. 26, 1959

این نامه را منس بنف روز است نوشته ام یک کی این صفت بر سر دست خود می
 کردم بر امرد که تلفن کرد در همین صفت خوشحال شدم ، یک تدر عالم نوشتید ، سر با خوردی
 و در از کسب کردم ولی البته ساعت دو از ده ظهر بود که نفس در ، نامه نوشتی به بی بی مع
 که دست بچشم هگا ، با او یکجا بیج زهمن نیست و فرخ العالی خوشحال میوم .

کرم سلام
 بی بی

میرن و بهر داد عزیزم را از طرف من بگو
 و سلام بر آن